

حضرت خدیجه سلام الله علیها مادر امت

<?xml encoding="UTF-8?>

سخن از خدیجه ، سخن از یک دنیا عظمت و پایداری و استقامت درراه هدف است . به حق قلمفرسایی در باره کسی که خداوند بر او سلام و درود فرستاد ، بسی مشکل است . اما به مصداق «مالا یدرک کله لا یتدرک کله ،» به بررسی گوشه هایی از شخصیت و زندگی این بزرگ بانو می پردازیم :

ولادت و خانواده

خدیجه (س) 68 سال قبل از هجرت دنیا آمد . خانواده ای که خدیجه را پرورش داد ، از نظر شرافت خانوادگی و نسبت های خویشاوندی ، در شمار بزرگترین قبیله های عرب جای داشت . این خاندان در همه حجاز نفوذ داشت . آثار بزرگی و نجابت و شرافت ازکردار و گفتار خدیجه پدیدار بود . خدیجه از قبیله هاشم بود و پدر و اقوامش از ثروتمندان قریش بودند . پدرش خویلد بن اسد قریشی نام داشت . مادرش فاطمه دخترزائد بن اصم بود .

اخلاق خدیجه (س)

خدیجه در بین اقوام خود یگانه و ممتاز و میان اقران کم نظیر بود . او به فضیلت اخلاقی و پذیرایی های شایان بسیار معروف بود و بدین جهت زنان مکه به وی حسد می ورزیدند . دخترت خویلد در سجایا و کمالات اخلاقی زبانزد و نمونه بود و به حق ایشان کفو خوبی برای پیامبر (ص) بود . بی تردید می توان گفت که این سجایا و فضایل اخلاقی سبب شد تا خدیجه برای همسری پیامبراکرم (ص) شایسته شمرده شود . طبق روایات ، او برای پیامبراکرم (ص) یآوری صادق بود .

آیا خدیجه (س) قبل از پیامبر (ص) ازدواج کرده بود ؟

معروف است اولین کسی که به خواستگاری خدیجه آمد یکی از بزرگان عرب به نام «عتیق بن عائذ مخزومی» بود . او پس از ازدواج با خدیجه ، در جوانی در گذشت و اموال بسیاری برای خدیجه ارث گذاشت . پس از او «ابی هاله بن المنذر الاسدی» که یکی از بزرگان قبیله خود او بود ، با وی ازدواج کرد . ثمره این پیوندفرزندی به نام «هند» بود که در کودکی در گذشت . ابی هاله نیز پس از چندی ، وفات یافت و ثروت بسیار از خویش بر جای نهاد . هرچند این مطلب که پیامبر اکرم (ص) سومین همسر خدیجه بود و جز عایشه با دوشیزه ای ازدواج نکرد ، نزد عامه و خاصه معروف است؛ ولی مورد تایید همگان نیست . جمعی از مورخان و بزرگان ، نظرمخالف دارند ؛ برای مثال «ابوالقاسم کوفی» ، «احمد بلاذری» ، «علم الهدی» ، «سیدمرتضی» در کتاب «شافی» و «شیخ طوسی» در «تلخیص شافی» آشکارا می گویند که خدیجه ، هنگام ازدواج با پیامبر ، «عذرا» بود . این معنا را علامه مجلسی نیز تایید کرده است . او می نویسد : «صاحب کتاب انوار البده» گفته است که زینب و رقیه دختران هاله ، خواهر

خدیجه بودند .

برخی از معاصران نیز چنین ادعا کرده اند و برای اثبات ادعای خود کتابهایی نوشته اند .

آشنایی با حضرت محمد (ص)

فضایل اخلاقی خدیجه ، بسیاری از بزرگان و صاحب منصبان عرب رابه فکر ازدواج با وی می انداخت . ولی خاطرات همسر پیشین به وی اجازه نمی داد شوهری دیگر انتخاب کند . تا اینکه با مقامات معنوی حضرت محمد (ص) آشنا شد و آن دو غلامی که برای تجارت همراه پیامبر (ص) فرستاده بود ، مطالب و معجزاتی که از وی دیده بودند ، برای خدیجه نقل کردند . خدیجه فریفته اخلاق و کمال و مقامات معنوی پیامبر (ص) شد . البته او از یکی از دانشمندان یهود و نیز ورقه بن نوفل ، که از علمای بزرگ عرب و خویشان نزدیک خدیجه به شمار می رفت ، در باره ظهور پیغمبر آخرالزمان و خاتم الانبیا (ص) مطالبی شنیده بود . همه این عوامل موجب شد تا خدیجه حضرت محمد (ص) را به همسری خودانتخاب کند .

ازدواج خدیجه

زفاف خدیجه با حضرت محمد (ص) 2 ماه و 75 روز پس از بازگشت از سفر تجارت شام تحقق یافت . در آن زمان ، حضرت محمد (ص) 25 سال داشت و خدیجه چهل ساله بود . ابن عباس سن ایشان را 28 سال نقل می کند . هرچند بعضی از مورخان اهل سنت سعی می کنند این سخن را رد کنند ؛ چون راوی آن محمد بن صائب کلبی از شیعیان است و آنها او را ضعیف می دانند .

خدیجه به سبب علاقه به حضرت محمد (ص) و مقام معنوی او بارسول خدا ازدواج کرد و تمام دارایی و مقام و جایگاه فامیلی خودرا فدای پیشرفت مقاصد همسرش ساخت .

در عقد ازدواج حضرت محمد (ص) و خدیجه ، عبدالله بن غنم به آنها چنین تبریک گفت :

هنیئاً مریئاً یا خدیجه قد جرت لك الطیرفیما كان منك باسعد

تزوجت خیر البریه كلها و من ذا الذی فی الناس مثل محمد ؟

و بشر به البران عیسی بن مریم و موسی ابن عمران فیاقرب موعد

اقرت به الکتاب قدما بانه رسول من البطحاء هادو مهتد

گوارا باد بر تو ای خدیجه که طالع تو سعادتمند بوده و بابهترین خلایق ازدواج کردی . چه کسی در میان مردم

همانند محمد (ص) است . محمد (ص) کسی است که حضرت عیسی و موسی به آمدنش بشارت داده اند و

کتب آسمانی به پیامبری او اقرار داشتند .

رسولی که سر از بطحاء (مکه) در می آورد و او هدایت کننده وهدایت شونده است .

احترام پیغمبر خدا (ص) به خدیجه

احترام حضرت محمد (ص) به خدیجه ، به خاطر عقیده و ایمان او به توحید بود .

خصال خدیجه (س)

خدیجه از بزرگترین بانوان اسلام به شمار می رود . او اولین زنی بود که به اسلام گروید ؛ چنان که علی بن ابی طالب (ع) اولین مردی بود که اسلام آورد . اولین زنی که نماز خواند ، خدیجه بود. او انسانی روشن بین و دور اندیش بود . با گذشت ، علاقه مند به معنویات ، وزین و با وقار ، معتقد به حق و حقیقت و متمایل به اخبار آسمانی بود . همین شرافت برای او بس که همسر رسول خدا (ص) بود و گسترش اسلام به کمک مال و ثروت او تحقق یافت .

خدیجه از کتب آسمانی آگاهی داشت و علاوه بر کثرت اموال و املاک، او را «ملکه بطحاء» می گفتند . از نظر عقل و زیرکی نیز برتری فوق العاده ای داشت و مهمتر اینکه حتی قبل از اسلام وی را «طاهره» و «مبارکه» و «سیده زنان» می خواندند .

جالب این است او از کسانی بود که انتظار ظهور پیامبر اکرم (ص) می کشید و همیشه از ورقه بن نوفل و دیگر علما جویای نشانه های نبوت می شد . اشعار فصیح و پر معنای وی در شان پیامبر اکرم (ص) از علم و ادب و کمال و محبت او به آن بزرگوار حکایت می کند .

نمونه ای از اشعار خدیجه در باره پیامبر اکرم (ص) چنین است :

فلوانی امسیت فی کل نعمه و دامت لی الدنيا و تملک الاکاسره

فما سویت عندی جناح بعوضه اذا لم یکن عینی لعینک ناظره

اگر تمام نعمتهای دنیا از آن من باشد و ملک و مملکت کسراها و پادشاهان را داشته باشم ، در نظرم هیچ ارزش ندارد زمانی که چشم به چشم تو نیافتد .

دیگر خصوصیت خدیجه این است که او دارای شم اقتصادی و روح بازرگانی بود و آوازه شهرتش در این امر به شام هم رسیده بود .

البته سجایای اخلاقی حضرت خدیجه چنان زیاد است که قلم از بیان آن ناتوان است . پیامبر اکرم (ص) می فرماید : «افضل نساء اهل الجنه خدیجه بنت خویلد و فاطمه بنت محمد و مریم بنت عمران و آسیه بنت مزاحم» .

چه می توان گفت در شان کسی که مایه آرامش و تسلاهی خاطر رسول خدا (ص) بود ؟ ! در تاریخ می خوانیم :

«حضرت محمد (ص) هر وقت از تکذیب قریش و اذیت های ایشان محزون و آزرده می شدند ، هیچ چیز آن

حضرت را مسرور نمی کرد مگر یاد خدیجه ؛ و هرگاه خدیجه را می دید مسرور می شد»

ذهبی می گوید : مناقب و فضایل خدیجه بسیار است ؛ او از جمله زنان کامل ، عاقل ، والا ، پای بند به دیانت و

عفیف و کریم و از اهل بهشت بود . پیامبر اکرم (ص) کرارا او را مدح و ثنا می گفت و بر سایر امهات مومنین

ترجیح می داد و از او بسیار تجلیل می کرد. به حدی که عایشه می گفت : بر هیچ یک از زنان پیامبر (ص) به

اندازه خدیجه رشک نورزیدم و این بدان سبب بود که پیامبر (ص) بسیار او را یاد کرد .

درد خدا بر خدیجه

خدیجه کبری چنان مقام والایی داشت که خداوند عزوجل بارها براو درود و سلام فرستاد . طبق روایتی از حضرت

امام محمد باقر (ص) : پیامبر اکرم (ص) هنگام باز گشت از معراج ، به جبرئیل فرمود : «آیا حاجتی داری ؟»

جبرئیل عرض کرد : خواسته ام این است که از طرف خدا و من به خدیجه سلام برسانی»

در روایتی دیگر می خوانیم : روزی خدیجه به طلب رسول خدا (ص) بیرون آمد . جبرئیل به صورت مردی با وی رو

به رو شد و از خدیجه احوال رسول خدا (ص) را پرسید . خدیجه نمی توانست بگوید رسول خدا (ص) در کجا به سر می برد . او می ترسید این مرد از کسانی باشد که قصد کشتن پیغمبر (ص) را دارد . وقتی که خدمت آن حضرت رسید و قصه باز گفت ، حضرت محمد (ص) فرمود : «آن جبرئیل بود و امر کرد که از خداتو را سلام برسانم» .

نقش خدیجه در پیشبرد اسلام

وقتی حضرت خدیجه دریافت که سعادت‌مند شده ، هرچه داشت در راه پیشرفت و موقعیت پیغمبر اسلام (ص) انفاق کرد . او تمام اموال خویش را به پیامبر (ص) بخشید و در راه نشر اسلام به مصرف رساند . تا جایی که هنگام ارتحال ، پارچه ای برای کفن نداشت .

ابن اسحاق جمله ای در شان خدیجه دارد که گویای همکاری و صداقت او در پیشبرد اسلام است . او می گوید :

«خدیجه یاور صادق و با وفایی برای پیامبر (ص) بود و مصیبت ها در پی رحلت خدیجه و ابوطالب بر پیامبر (ص) سرازیر شد .»

گویا این دو ، در برابر هجوم ناملایمات بر پیامبر اکرم (ص) ، سدی بلند و مستحکم بودند .

این جمله ، معروف که اسلام رهین اخلاق پیامبر (ص) ، شمشیرعلی (ع) ، و اموال خدیجه است از نهایت همکاری و صداقت خدیجه پرده بر می دارد .

فرزندان خدیجه

در تعداد فرزندان حضرت خدیجه ، میان مورخان اختلاف است . به گفته مشهور : ثمره ازدواج رسول خدا و خدیجه ، شش فرزند بود .

1- هاشم . 2- عبدالله . به این دو «طاهر» و «طیب» می گفتند . . 3- رقیه . 4- زینب 5- ام کلثوم . 6- فاطمه .

رقیه بزرگترین دخترانش بودو زینب ، ام کلثوم و فاطمه به ترتیب پس از رقیه قرار داشتند . پسران خدیجه پیش از بعثت پیامبر (ص) ، بدرود زندگی گفتند . ولی دخترانش ، نبوت پیامبر (ص) را درک کردند .

گروهی از محققان معتقدند : قاسم و همه دختران رسول خدا (ص) پس از بعثت به دنیا آمدند و چندروز پس از پیامبر خدا (ص) به مدینه هجرت کردند .

وصیت خدیجه

حضرت خدیجه (س) سه سال قبل از هجرت بیمار شد . پیغمبر (ص) به عیادت وی رفت و فرمود : ای خدیجه ، «اما علمت ان الله قد زوجنی معک فی الجنه» ؛ آیا می دانی که خداوند تو را در بهشت نیز همسرم ساخته است ؟ !

آنگاه از خدیجه دل جویی و تفقد کرد ؛ او را وعده بهشت داد و درجات عالی بهشت را به شکرانه خدمات او توصیف فرمود .

چون بیماری خدیجه شدت یافت ، عرض کرد : یا رسول الله ! چندوصیت دارم : من در حق تو کوتاهی کردم ، مرا عفو کن .

پیامبر (ص) فرمود : هرگز از تو تقصیری ندیدم و نهایت تلاش خود را به کار بردی . در خانه ام بسیار خسته شدی

و اموالت را در راه خدا مصرف کردی .

عرض کرد : یا رسول الله ! وصیت دوم من این است که مواظب این دختر باشید . و به فاطمه زهرا (س) اشاره کرد . چون او بعد از من یتیم و غریب خواهد شد . پس مبادا کسی از زنان قریش به او آزار برساند . مبادا کسی به صورتش سیلی بزند . مبادا کسی بر او فریاد بکشد . مبادا کسی با او برخورد غیر ملایم و زننده ای داشته باشد . اما وصیت سوم را شرم می کنم برایت بگویم . آن را به فاطمه عرض می کنم تا او برایت بازگو کند . سپس فاطمه را فراخواند و به وی فرمود : «نور چشمم ! به پدرت رسول الله بگو : مادر من می گوید : من از قبر در هراسم ؛ از تو می خواهم مرا در لباسی که هنگام نزول وحی به تن داشتی ، کفن کنی .»

پس فاطمه زهرا (س) از اتاق بیرون آمد و مطلب را به پیامبر (ص) عرض کرد . پیامبر اکرم (ص) آن پیراهن را برای خدیجه فرستاد و او بسیار خوشحال شد . هنگام وفات حضرت خدیجه ، پیامبر اکرم (ص) غسل و کفن وی را به عهده گرفت . ناگهان جبرئیل درحالی که کفن از بهشت همراه داشت ، نازل شد و عرض کرد : یا رسول الله ، خداوند به تو سلام می رساند و می فرماید : «ایشان اموالش را در راه ما صرف کرد و ما سزاوارتریم که کفنش را به عهده بگیریم .»

وفات خدیجه (س)

خدیجه در سن 65 سالگی در ماه رمضان سال دهم بعثت در خارج از شعب ابوطالب جان به جان آفرین تسلیم کرد . پیغمبر خدا (ص) شخصا خدیجه را غسل داد ، حنوط کرد و با همان پارچه ای که جبرئیل از طرف خداوند عزوجل برای خدیجه آورده بود ، کفن کرد . رسول خدا (ص) شخصا درون قبر رفت ، سپس خدیجه را در خاک نهاد و آنگاه سنگ لحد را در جای خویش استوار ساخت . او بر خدیجه اشک می ریخت ، دعا می کرد و برایش آمرزش می طلبید . آرامگاه خدیجه در گورستان مکه در «حجون» واقع است . رحلت خدیجه برای پیغمبر (ص) مصیبتی بزرگ بود ؛ زیرا خدیجه یاور پیغمبر خدا (ص) بود و به احترام او بسیاری به حضرت محمد (ص) احترام می گذاشتند و از آزار وی خودداری می کردند .

یاد خدیجه

رسول خدا (ص) با این که بعد از رحلت حضرت خدیجه (س) بازمانی چند ازدواج کرد ؛ ولی هرگز خدیجه را از یاد نبرد . عایشه می گوید : هر وقت پیغمبر خدا (ص) یاد خدیجه می افتاد ، ملول و گرفته می شد و برای او آمرزش می طلبید . روزی من رشک ورزیدم و گفتم : یا رسول الله ، خداوند به جای آن پیرزن ، زنی جوان وزیبا به تو داد . پیغمبر (ص) ناگهان بر آشفت و خشمگینانه دست بر دست من زد و فرمود : خدا شاهد است خدیجه زنی بود که چون همه از من رومی گردانیدند ، او به من روی می کرد ؛ و چون همه از من می گریختند ، به من محبت و مهربانی می کرد ؛ و چون همه دعوت مرا تکذیب می کردند ، به من ایمان می آورد و مرا تصدیق می کرد . در مشکلات زندگی مرا یاری می داد و با مال خود کمک می کرد و غم از دلم می زدود . حضرت امام صادق (ع) فرمود : «وقتی خدیجه از دنیا رفت ، فاطمه کودکی خردسال بود ، نزد پدر آمد و گفت : «یا رسول الله امی» ؛ مادر من کجاست ؟

پیامبر (ص) سکوت کرد . جبرئیل نازل شد و گفت : خدایت سلام می رساند و می فرماید : به زهرا بفرما ، مادرت در بهشت و در کاخ طلایی که ستونش از یاقوت سرخ است و اطرافش آسیه و مریم هستند ، جای دارد .

